

نیازی به دعوت رئیس‌جمهور از نخبگان نیست



کیوموتو اشتریان

هزارچندگام‌هی رئیس محترم جمهوری (مانند دیگر رؤسای جمهوری) دعوت خود را از نخبگان و دانشگاهیان برای کمک به حل مسائل کشور تکرار می‌کند. اگر سازوکارهای مدیریت دانش در دفاتر دولت و نهادهای پژوهشی وزارتخانه‌ها نهاده‌نه شود، دیگر نیازی به دعوت هرورزه از نخبگان در تریبون‌های عمومی ندارید. یک دانشگاهی معمولاً در کار تولید علم است و نه تولید سیاست. این وظیفه دستگاه‌های مطالعاتی در دولت است که علم تولیدشده را پردازش کنند و گزینه‌های سیاسی از آن برسازند. تولید علم ضرورتاً با «پردازش مدیریت دانش» یکی نیست. اساساً کار یک دانشگاهی پردازش مدیریتی و سیاسی علم نیست، راه را اشتباهی نرود! باید فرایندی سیاسی-سیاستی طی شود که علم به دانش سیاست‌گذاری و مدیریت دولتی تبدیل شود. تخصص قلب ضرورتاً برای اداره وزارت بهداشت کافی نیست؛ مگر آنکه آن متخصص دوره‌های مدیریتی گذرانده باشد یا اینکه قابلیت‌هایی را تجربه کرده باشد.

اینکه در یک منطقه بیمارستان تخصصی بسازیم یا درمانگاه؛ اینکه ما از حمل‌ونقل ریلی استفاده کنیم یا همچنان سیستم حمل‌ونقل جاده‌ای در جریان باشد؛ اینکه قیمت بنزین سه هزار تومان باشد یا ۳۰ هزار تومان؛ اینکه باغداری را ترویج دهیم یا گندم‌کاری را و هزارگونه تصمیم دیگری که در حکومت گرفته می‌شود، هیچ‌کدام ظرفیت علمی‌بودن (یعنی یقین علمی) ندارند. این انتخاب‌ها بسته به مصلحت می‌توانند متفاوت باشند. از همین روست که در دانش سیاست‌گذاری عمومی گفته می‌شود که این انتخاب‌ها اساساً سیاسی-اجتماعی و ترکیبی از دانسته‌های موجود است. از همین روست که از واژه دانش استفاده می‌شود و نه از واژه علم. اساساً بسیاری از تصمیم‌های دولت‌ها انتخاب از میان منافع متراحم است و ربطی هم به علم و دانش و دانشمندی ندارد.

از سوی دیگر، تصمیم‌های دولت‌ها ضرورتاً به نفع همه مردم نیست. هر تصمیمی تنها و تنها یک اقلیت را (اقلیتی بزرگ یا کوچک) منتفع می‌کند؛ بنابراین اینکه ما بتوانیم یک تصمیم علمی به نفع همه مردم بگیریم، در بسیاری از موارد متفی است. در تصمیم‌های دولتی اساساً یک پویایی و رقابت سیاسی هم وجود دارد. در دولت راه‌حل‌های فنی (نه به معنای دقیق علمی) با یکدیگر رقابت می‌کنند؛ یعنی رقابتی سیاسی، مفتحتی، اجتماعی و گاه فرهنگی برای به کرسی نشاندن راه‌حل‌های فنی در جریان است. آنچه یک راه‌حل فنی را جذاب می‌کند و در دستور کار دولت می‌نشانند، قدرت سیاسی-اجتماعی آن راه‌حل است و نه علمی‌بودن آن. خودآگاهی به این نکته سبب می‌شود که تصمیمات سیاسی را در زیر زوروقی از علم، نخبگی، اندیشمندی و الفاظی از این دست نپوشانیم.

به‌این‌صورت رئیس‌جمهور با تیم مشاوره او باید بتواند دانش‌های فنی را مدیریت کند و در معرض رقابت منافع گروه‌های اجتماعی قرار دهد تا به اتخاذ تصمیم نهای برسد. اصلی‌ترین مهارت دستگاه رئیس‌جمهور (از دفتر رئیس‌جمهور تا مراکز مطالعاتی وابسته به ایشان) همین مهارت مدیریت دانش و تدوین سناریوهای گوناگون برای رئیس‌جمهور است. مدیریت حوزه دانش کاری است منسجم که با درک و پذیرش تراحم منافع و نسبیت دانش در عرصه عمومی درآمیخته است؛ بنابراین ضرورتی ندارد که در سخنرانی‌های‌شان تکرار کنند که اندیشمندان و نخبگان بیایند و مسائل را حل کنند یا برای حل مشکلات کشور پیشنهاد دهند. این کار باید از طریق نهادهای ذی‌ربط مدیریت دانشی به صورت نظام‌مند انجام شود. مراکز مطالعاتی وابسته به دولت مسئول تولید علم نیستند، بلکه مسئول همین کار هستند و فعالیت کانونی آنان جمع‌بندی نظرات کارشناسی و سناریونویسی‌های مرتبط با آن است. این دستگاه‌ها ظرفیت تولید علم ندارند و البته ضرورتی هم ندارد که چنین ظرفیتی داشته باشند. در دانشگاه به مسئله علمی، آزمون فرضیات و بهره‌برداری از نظریه‌ها برای پیشبرد علم همت می‌گذارند. درحالی‌که در دولت بر مشکل اجتماعی متمرکزیم که روش آن به‌کلی متفاوت است. در دولت یک مشکل را مطرح و گزینه‌های گوناگون را سناریونویسی می‌کنیم و خبری از آزمون فرضیه نیست. دانشگاهیان هم اگر بخواهند دانش خود را به سیاست تبدیل کنند، باید همین فرایند را طی کنند؛ یعنی دانش را با روش‌شناسی سیاست‌گذاری وارد عرصه دولت کنند، نه با تخصص‌های فنی رشته خود.

^[1] یعنی دانش را با روش‌شناسی سیاست‌گذاری وارد عرصه دولت کنند، نه با تخصص‌های فنی رشته خود

یکشنبه ۱۴۰۴ آبان
۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۷
۲۶ اکتبر ۲۰۲۵
سال بیست و دوم
شماره ۵۲۳۸
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

نگاهی به سخنان اخیر سیدمحمد خاتمی در دیدار جمعی از فعالان سیاسی و اجتماعی

پیامی از یزد

گزارش تیتربیک را در صفحه ۲ بخوانید



گفت‌وگو با بختیار علی درباره آثار و جهان داستانی اش

لحظه غریبگی

یادداشت

حکمرانی و ناترازی؛ درسی از بانک آینده



غلامرضا نظربلند

تحلیلگر

در نخستین روز ماه جاری نامه‌ای منتشر شد که امضای بنیان‌گذار بانکی که برخلاف نامش، آینده‌ای نداشت را پای خود داشت.

نامه ادبیاتی کم‌وبیش حماسی داشته و به نظر می‌رسد که دادن روحیه به کارکنان، به منظور برانگیز جویی (از عملکرد بانک) و انداختن کلاه گردن دیگران را نشانه گرفته است.

مجاهدت‌های خواهران و برادران گرامی، تعهد و غیرت و جسارت همکاران، درخشش بانک از همان آغاز و رودن گوی سیقت از سایرین، نشان از روحیه‌بخشی و عباراتی چون «توقف مسیر بانک بر اثر تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های خارج از اراده بانک» نشان از فراقفنی می‌تواند داشته باشد. افزون بر این، درج عبارت «افتتاح بانک در جوار بارگاه ملکوتی حضرت ثامن‌الحجج»، در طلیعه نامه می‌تواند از القای باورمندی نامه‌نگار به ارزش‌ها و شعارن و مناسک مذهبی حکایت کند.

شاینت لازم برای این‌گونه مکتوبات است. محتویات مفقود تعهدی است که به عهده گرفته نشده، عذری است که خواسته نشده و برنامه‌ای است که برای ادای دین و جبران مافات ارائه نشده است.

بانکی که آینده را ندید، خود از دل بانکی ناتراز (تات) برخاست. وقتی که تات به ورشکستگی کشیده شد، مقامات مسئول با توسل به توجهات و دلایلی عملاً نخواستند که به کلی از دست آن راهی یابند. این بود که به جای انحلال

یادداشت

دولت مسعود و دام‌های سیاست‌گذاری



روزبه کردونی

سیاست‌پژوه

که دولت بتواند از دام‌هایی عبور کند که در ساحت سیاست‌گذاری، بسیاری از دولت‌های پیشین را در خود فروبرده‌اند. البته شواهدی می‌توان یافت که این دولت در شیوه گفت‌وگو با جامعه، در تکیه بر کارشناسان و در پرهیز از رفتار نمایشی، مشی متفاوتی در پیش گرفته است؛ رویکردی که اگر استمرار یابد، می‌تواند نشانه‌ای از آگاهی نسبت به این دام‌ها و تلاشی برای راهی از آنها باشد. بر این اساس می‌توان به موارد زیر به‌عنوان دام‌های سیاست‌گذاری اشاره کرد تا نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری نسبت به ایجاد تمهیدات برای پرهیز از افتادن در دام این تله‌ها، هوشمند و خلاق باشد. فهرست این دام‌ها و خطاهای سیاست‌گذاری را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱. **توهم اعتبار**: باور به اینکه جایگاه اداری به خودی خود ضامن درستی تصمیم است. توهم اعتبار زمانی رخ می‌دهد که تصمیم‌گیران احساس می‌کنند اطلاعات، تحلیل‌ها یا سیاست‌هایی که به آنها اتکا کرده‌اند، معتبر و درست‌اند درحالی‌که ممکن است چنین نباشد.

۲. **سیاست‌گذاری شهودمحور**: جایی که احساس و تجربه شخصی جایگزین داده و تحلیل می‌شوند. در جهان پیچیده امروز، شهود بدون شواهد، قمار با واقعیت است.

۳. **مسیر گذشته**: تداوم عادت‌های قدیمی با نام‌های تازه. این تله یعنی نظام تصمیم‌گیری، حتی در شرایط بحرانی، همچنان به همان الگوهای قبلی وفادار می‌ماند، صرفاً به این دلیل که با آنها آشناتر است یا در گذشته روی آنها

مهم‌ترین ابرپروژه وزارت اقتصاد برعهده سازمان امور مالیاتی کل کشور

تثبیت مدیریت سبحانیان در ادامه مسیر تحولی



برگزیده‌ها

دستور ترامپ و تأخیر ۶ ساله در تصویب لوایح مانع پیوستن ایران به گروه ویژه اقدام مالی شد

ایران در لیست سیاه FATF باقی ماند

۳

جنگ تجاری، بحران‌های مرزی و تردید متحدان؛ پس‌زمینه تور آسیایی رئیس‌جمهور آمریکا

قمار آسیایی ترامپ

۵

گزارش «شرق» از مطالبه جدی خانواده بیمارمان نادر برای دسترسی به یک دارو

مرگ کودکان بیمار با هر روز تأخیر تهیه دارو

۸

شکل‌های زندگی: درباره انتزاعیات مجازی و پدیده هوش مصنوعی

چگونه غول انسان شد؟

۱۱

هاشمیان در تمرین، اوسمار در راه ایران

عجایب باشگاه پرسپولیس

۹

مسکن؛ گرفتار سقوط سرمایه‌گذاری

۴

یادداشت

اقتصاد ملی و آفت نو اشرافیگری صاحب‌منصبان



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

چند روزی است که اخبار مربوط به انتشار فیلم مراسم عروسی فرزند علی شمخانی، دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی، در فضای مجازی بر صدر اخبار نشست و بسیاری از سخنوران و اصحاب رسانه را به اظهارنظر وادار کرده است. در بسیاری از این اظهارنظرها مباحثی از نوع منبع اولیه خبر، اهداف دشمنان از انتشار این‌گونه اخبار، حفظ حریم خصوصی، رعایت حجاب، هزینه هنگفت مراسم و ناهماهنگی رفتار صاحب‌منصبان و ادعاهایشان مورد توجه قرار گرفته بود. هرچند هریک از این سرفصل‌ها به‌تنهایی ارزش تحلیل دارند، اما در این یادداشت با بیان چند نکته زیر فقط از زاویه‌های محدود به این پرونده توجه خواهد شد:

۱- سال‌هاست که اقتصاد کشورمان تحت فشار تحریم‌های ظالمانه با دشواری‌های متعدد روبه‌رو شده و به‌ویژه در سال‌های اخیر فقر گسترش سریع‌تری یافته است. یکی از بارزترین آثار گسترش فقر را می‌توان در کاهش شدید تقاضا برای برگزاری مراسم عروسی در تالارها در سطح کشور دید. در چنین فضایی ناگهان خبر می‌رسد که برای عروسی دختر فلان صاحب‌منصب مراسمی بسیار پرهزینه در یکی از مجلل‌ترین هتل‌های کشور برگزار شده است. کاری که فقط در حد توان قشر مولتی میلیاردر جامعه است. حال چگونه می‌توان از افکار عمومی جامعه انتظار داشت که هیبت حاکمه کشور را متهم به همسویی با مرفهین بی‌ی‌درد نکند. هرچند بسیاری از مقامات کشورمان فرسنگ‌ها از فضای رانت‌خواری و مصرف‌گرایی دور هستند، اما همین یک مورد تأثیر منفی بزرگی بر قضاوت افکار عمومی می‌گذارد.

۲- تأمین هزینه گزاف یک مراسم باشکوه با حقوق کارمندی حتی اگر فرد بالاترین حقوق را در سیستم دولتی بگیرد، ممکن نیست.

ادامه‌دار صفحه ۸

ادامه‌دار صفحه ۸

ادامه‌دار صفحه ۵

ادامه‌دار صفحه ۵